

ما و خشکسالی!

مهدی پورحسین

براساس نظر کارشناسان و مشاهدات عادی، ایران چند سالی است که دوره خشکسالی را سپری می‌کند و در این مدت نیز ذخائر آبی کشور به حداقل ممکن رسیده است و می‌رود تا به یک بحران زیست محیطی تبدیل شود. این روزها که بحران کم آبی به مرز هشدار جدی رسیده و حتی رئیس‌جمهور محترم از احتمال تخلیه تهران سخن گفته است، این بحث هم در فضای رسانه‌های اجتماعی داغ شده است که عوامل این خشکسالی چیست و در این میان، سهم کلام عامل مهمتر است و یا اساسا نباریدن باران از عوامل طبیعی پیروی می‌کند و یا عوامل ماوراءالطبیعی و معنوی نیز در آن مؤثر است؟. و اگر عوامل غیر طبیعی در آن بخیل است، چه گناهایی موجب این خشکسالی شده است، گناه مردم یا حاکمان؟. در این وسط برخی از تریبون‌داران نیز که دائماً دنبال تنور داغ می‌گردند تا نان مراد خود را پخت کنند، با استفاده از فرصت پیش آمده، آن را به گناه شهروندان، به ویژه موی بانوان نسبت داده و حتی انتخاب رئیس‌جمهور غیرمطلوب آنان ازسوی مردم را نیز در این امر دخیل دانسته‌اند!. و در هر حال، این پرسش هم مطرح است که نماز باران چه جایگاهی در حل این بحران دارد و روحانیت چه نقشی می‌تواند در آن ایفا کند؟ در این باره چند نکته حائز اهمیت است که در پی می‌آیند.

۱. تردیدی نیست که امروزه پدیده خشکسالی یکی از عوارض بزرگ اقلیمی و زیست‌محیطی قرن است که نه تنها ایران بلکه بسیاری از کشورها، از جمله کشورهای پیرامون ما با آن درگیر هستند و یک بحران جهانی محسوب می‌شود که مجموعه‌ای از عوامل انسانی و طبیعی در شکل‌گیری آن نقش دارند. به گفته کارشناسان، تغییرات اقلیمی و افزایش دما، مدیریت نادرست منابع آبی، توسعه نامتوازن کشاورزی، سدسازی بی‌رویه و تخریب رودخانه‌ها، رشد جمعیت و تمرکز شهری، نابودی جنگل‌ها و مراتع و کمبود فرهنگ صرف پهنه آب ازجمله عواملی هستند که این بحران را رقم زده و راه حل آن هم در علوم بشری امروز موجود است و با انگیزه و اراده جدی حاکمیت سیاسی، می‌توان این بحران را مدیریت و به تدریج حل کرد.

۲. طبیعی بودن امر خشکسالی، به هیچ وجه به معنای عدم دخالت امور معنوی در آن نیست چرا که جهان هستی به ید با کفایت الهی به گونه‌ای طراحی شده است که عوامل مختلف در آن تأثیر گذار باشند. از جمله خداوند متعال به صراحت باران را رحمت الهی می‌خواند که پس از ناپیدی مردم از عوامل طبیعی، چون همه رحمت‌های الهی، به اراده او و براساس عوامل ناشناخته عادی بر مردم نازل می‌شود: **وَهُوَ الَّذِي يُنَزِّلُ الْغَيْثَ مِنْ بَـَٔدِ مَا قَطَلُواْ وَیُنْزِلُ رَحْمَتَهُ وَهُوَ الْوَلِیُّ الْحَمِیدُ**. (سوره یونس، ۲۸) و مهمتر آن که وعده صادق داده است که اگر انسان‌ها در ایمان استقامت‌ ورزند، با آب فراوان سیرایشان می‌کند: **وَأَنْ لَّوِ اسْتَغَامُواْ عَلَى الطَّرِیقَةِ لَأَسْقِیْنَهُمْ مَّاءً غَدَقًا** (سوره جن، ۱۶)، و این نشانه آشکار است که بارش باران، فراتر از عوامل طبیعی از عوامل فراطبیعی نیز تبعیت می‌کند.

۳. براساس صریح قرآن، ایمان و خداگرایی جوامع اثر مثبت در همین دنیا گذاشته و از جمله، برکات آسمان و زمین بر آنها ارزانی می‌شود: **﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُواْ وَاتَّقَوْاْ لَفَتَحْنَا غَیْبَهُمْ بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالأَرْضِ؛** و اگر اهل شهرها و آبادی‌ها ایمان می‌آوردند و پرهیزکاری پیشه می‌کردند، یقیناً [درهای] برکاتی از آسمان و زمین را بر آنان می‌گشودیم». و قطعا یکی از این برکات آسمانی، باران است که مستقیم از ایمان و درست‌کاری مردم یک جامعه تأثیر می‌پذیرد و ارزانی می‌شود. روشن است که براساس این آیه اگر اندرجفات، گناهان، و ناهنجاری از جمله‌ای رخت بر بندد و آحاد مردم و حاکمان راه درست پیشه کنند، نه خشکسالی پدید می‌آید و نه نیاز به دعا، ثنا و یا نماز باران، برای بارش آسمان خواهد بود بلکه برکات آسمان و زمین خودبخود بر آن جامعه گشوده خواهد شد.

۴. از آیه فوق و برخی روایت بر می‌آید که گناهان نیز اثر منفی دارند و موجب بسته شدن آسمان و خشکسالی می‌شومد بخاطر این که ذیل آیه ۹۶ اشعار بیان می‌دارد که: «ولی [آیات] الهی و پیامبران را] تکذیب کردند، ما هم آنان را به کفر اعمالی که همواره مرتکب می‌شدند [به عذابی سخت] گرفتیم. برکات آسمان و زمین را از آنها دریغ کردیم» **﴿وَلَٰكِنْ كَذَّبُواْ فَآذَنَّاَهُمْ بِمَا كَانُواْ يَكْسِبُونَ**». روایات نیز در باره گناهان بر خشکسالی فراوان است. از جمله پیامبر اسلام(ص) در روایتی مشهور می‌فرمایند: زمانی که خداوند بر امتی غضب نماید و عذاب بر آنان نفرستد، ترخ‌ها گران می‌شود و همچنین عمرها کوتاه می‌گردد، تاجر سود نمی‌کند و درخت‌ها میوه نمی‌دهند و نه‌رها بر آب نمی‌شود و باران از مردم قطع می‌شود و اشرا ر برآنان تسلط می‌یابند؛ **إِذَا غَضِبَ‌اللّٰهُ عَلَى أُمَّةٍ وَ لَمْ يُنْزِلِ الْعَذَابَ عَلَیْهِمْ غُلَّتِ أَعْنَاعُهُمْ وَ قُضِرَتْ أَعْمَارُهُمْ وَ لَمْ یَرْجَعْ تِجَارُهُمْ وَ لَمْ یُزَكَّ ثَمَارُهَا وَ لَمْ تَنْزَرْ أَنْهَارُهَا وَ حُسِبَ عَثْمُهَا أَطْفَارُهَا وَ سُلْطَ عَلَیْهَا أَشْرَارُهَا** (تحفول العقول، ۵۷/۲).

۵. اگر گناه در خشکسالی مؤثر است که هست، طبعاً به تناسب شدت و ضعف گناهان، اثر آن نیز مختلف خواهد بود. از این رو، گناهان کبیره اثر افزونتری از گناهان صغیره خواهند داشت و گناهان با گستره و عمق بیشتر، اثر دراز مدت‌تری بجای خواهند گذاشت. به همین تناسب، روشن است گناهان در سطح حکومت و ازسوی حاکمان چون اثر مخرب‌تری بر جامعه بجای می‌گذارند، اثر عمیقتری بر برکات آسمان خواهند گذاشت. از اینجا است که تریبون‌داران بهانه جو، باید بیشتر از آن که عامل بسته شدن آسمان را در میان شهروندان پی دفاع، جستجو کنند، آن را در رفتار حاکمان و صداقت آنها با مردم و عدالت ورزی در جامعه پیدا کنند و با گرّه گشایی از آن، گرّه از کار بندگان خدا بردارند و برکات آسمان را جاری سازند.

ع روش است که در این شرایط نماز باران که توصیه اولیاء الهی برای جاری شدن برکات آسمانی است، مؤثر است و روحانیت هم در این زمینه مسئولیت مضاعف دارد. اما همان گونه که از مضامین دعا‌های قنوت نماز باران بر می‌آید، پیش شرط آن توبه و استغفار از گناهات آنها با مردم و عدالت ورزی در جامعه روحانیان به عنوان متولیان اصلی حکومت دینی، باید پیش قدم باشند و با تضرع و انابه مردم را به صف‌های نماز باران فراخوانند و در نماز، افزون بر توبه و استغفار، با خدای واحد پیمان ببندند حل مشکلات مردم را با صداقت و فروتنی در اولویت کارهای خود قرار دهند و از هر گونه، دروغ، دزدی، دخل کاری، اختلاس و صدها گناه که درهای آسمان را می‌بندند پرهیز و جلوگیری نمایند. در این صورت، مطمئن باشند که درهای آسمان طبق وعده الهی باز و باران رحمت نیز نازل خواهد شد.

بیست و چهارم آبان ماه به خاطر سالروز درگذشت علامه سید محمدحسین طباطبائی (۱۲۸۲ – ۱۳۶۰ش)، روز بزرگداشت این حکیم، فقیه، عارف و فیلسوف معاصر شیعه و مفسر بزرگ قرآن نام‌گذاری شده است. ولادت علامه در پایان سال ۱۲۲۱ هجری قمری مصادف با ۱۲۸۲ شمسی در تبریز به وقوع پیوست. ایشان در سن پنج سالگی مادر و در سن نه سالگی پدر خود را از دست داد و با برادرش سید محمدحسن تنها ماند. خاندان او تا چهارده پشت از دانشمندان و علمای به نام تبریز بوده‌اند و نسبش به امام حسن مجتبی(ع) می‌رسد.

تحصیلات و استادان

علامه از دوران کودکی، تحصیل خود را در زادگاهش شروع نمود و مدت زیادی از تحصیل او نمی‌گذشت که علاوه بر قرآن مجید، کتاب‌های متناول در مدارس آن روز را فراگرفت. پس از آن در سال ۱۲۹۷ هـ‌ش وارد مدرسه طالیبه تبریز شد و تا سال ۱۳۰۴ ه‌ش به فراگیری ادبیات عرب و علوم عقلی و نقلی و فقه و اصول پرداخت. او خود از این دوره از تحصیل خود را چنین بازگو می‌کند: «در اوایل تحصیل که به نحو و صرف اشتغال داشتم علاقه زیادی به ادامه تحصیل نداشتم و از این‌ روی هر چه می‌خواندم، نمی‌فهمیدم… پس از آن یک بار عنایت خدایی دام‌گیرم شده، عوضم کرد. در خود یک نوع شیفتگی و بی‌تابی نسبت به تحصیل کمال حس نمودم؛ به طوری که از همان روز تا پایان تحصیل که تقریباً هیجده سال طول کشید هرگز نسبت به تعلیم و تفکر، احساس خستگی و دلسردی نکردم و زشت و زیبای جهان را فراموش نکردم… در خود و خواب و لوزام دیگر زندگی به حداقل ضروری قناعت نموده، باقی را به مطالعه می‌پرداختم. بسیار می‌شد – به ویژه در بهار و تابستان – که شب را تا طلوع آفتاب با مطالعه می‌گذراندم…».

علامه پس از اتمام اولین مراحل علمی ۱۳۰۴ در سال آن مرکز بزرگ تشیع به تکمیل ده سال در شعب مختلف علوم اسلامی معلومات خود در شعب مختلف علوم اسلامی پرداخت. فقه و اصول را نزد استادان معروف «ثانیی» و «کمپانی» و فلسفه را نزد «سید حسین بادکوبی» که خود از شاگردان جلوله و آقا علی مدرس بود و ریاضیات را نزد «آقا سید ابوالقاسم خوانساری» و اخلاق و عرفان

*تحصیلات علامه طباطبائی محدود به سطوح عادی فقه نبود، بلکه علاوه بر عمیق ترین تحصیلات در صرف و نحو و ادبیات عرب و فقه و اصول، ایشان یک دوره کامل از ریاضیات قدیم از «اصول» اقلیدس تا «مجسطی» بطلمیوس و نیز فلسفه و کلام و عرفان و تفسیر را فراگرفت و در این علوم به مرحله اجتهاد نائل آمد

را در محضر «میرزا علی قاضی» که در حکمت عملی و عرفان، مقامی بس ارجمند داشتند، تلمذ کرد. سر سلسله اساتید ایشان مرحوم قاضی است. مرحوم علامه پیرامون استاد خود مرحوم قاضی چنین می‌فرماید: «ما هر چه داریم… در مرحوم قاضی داریم. چه آنچه را که درحال حیاتش از او تعلیم گرفتیم و از محضرش استفاده کردیم و چه طریقی که خودمان داریم و از مرحوم قاضی گرفته ایم».

تحصیلات علامه طباطبائی فقط محدود به سطوح عادی فقه نبود، بلکه علاوه بر عمیق‌ترین تحصیلات در صرف و نحو و ادبیات عرب و فقه و اصول، ایشان یک دوره کامل از ریاضیات قدیم از «اصول» اقلیدس تا «مجسطی» بطلمیوس و نیز فلسفه و کلام و عرفان و تفسیر را فراگرفت و در این علوم به مرحله اجتهاد نائل آمد.

تدریس و شاگردان

علامه در سال ۱۳۱۴ ش. مجبور به بازگشت به زادگاه خویش گردید. دوران تلخ کامی و غربت از مهد علم و دانش از این زمان شروع شد اما مدتی نگذشت که لطف خفی الهی خود را از سرآبرده حکمت خداوندی نشان داد و کار تدریس و تحقیق شروع شد. دوران ده ساله اقامت علامه در تبریز همراه با تدریس و تألیف سپری شد و فصلی جدید از حیات وی را فراهم کرد و عازم قم شد. آن روز حوزه علمیه قم از ضریات سهمگین رشاخان، رهایی یافته بود و با حضور آیات و مراجع بزرگواروی چون آیاتالله بروجردی انسجام بیشتری پیدا کرده بود، فرصتی طلایی فراهم آمده بود تا علامه طباطبائی، نیازهای جامعه را سنجیده و بر طبق آن‌ها، برنامه‌ای منظم و کارآمد تنظیم کند. تفسیر و فلسفه درس‌هایی بودند که – براساس احساس وظیفه علامه – شروع

حوزه دوره سوم – ۷۰۹

علامه ذوفنون



شدند و تعجب بسیاری را برانگیختند چرا که تدریس تفسیر دانشی به دور از تحقیق تلقی می‌شد، اما پشتکار و اخلاص علامه کار را بدان جا رساند که «المیزان» حاصل سال‌های تلاش و تدریس گردید. درس فلسفه نیز در آن عصر خوشنام نبود، از این رو تلاش‌های بسیاری در تعطیل این درس می‌شد، اما رفتار مؤدبانه استاد و برخورد مهربانانه آیت‌الله العظمی بروجردی ابرهای تیره سوء تفاهم‌ها را کنار زد و سعایت‌ها را بی‌اثر نمود. به هر روی تشکیل جلسات عمومی و خصوصی این عالم فرهیخته و حضور شاگردان اندیشمندی چون آیت‌الله مطهری باعث نقد و بررسی فلسفه‌های غربی گردید و آثار و برکات جاودانه‌ای در تدوین کتب فلسفی به همراه خود آورد.

هر روز که سپری می‌شد ابداع علمی و چهره چشمگیر علامه بیشتر از گذشته نمایا می‌شد. شماع شخصیت این استاد فرزانه به داخل کشور محدود نگردید، بلکه اندیشمندان بسیاری را به سوی خویش کشاند و در تمام ابعاد اسلام به بحث و گفتگو با آنان منجر شد، چنان که شاگردان علامه در داخل نیز، دهها نفر از بزرگان و فرهیختگان معاصر حوزه‌های علمیه را شامل می‌شوند.

آثار و تألیفات

علامه طباطبایی همچنین آثار مکتوب ارزشمندی از خود به یادگار گذاشت که به قرار زیر است. تفسیر المیزان. دائرةالمعارفی از معارف و در بردارنده بحث‌های اعتقادی، تاریخی، فلسفی، اجتماعی و… با تکیه بر قرآن کریم. اثری سترگ که استاد شایسته مطهری ۶۰ سال یا ۱۰۰ سال دیگر را زمان درک عمق و ارزش این کتاب می‌داند. این کتاب ثمره‌ای کم نظیر از بیست سال تلاش شبانه روزی علامه است. نقطه آغازین این تألیف به برکت غور و ژرف نگری در روایات بحارالانوار بود. علامه سبک این تفسیر را از مرحوم قاضی آموخت و در قم عملی ساخت.

بدايةالحکمة. در موضوع فلسفه و حکمت اسلامی.

نهايةالحکمة. در موضوع فلسفه و حکمت اسلامی. اصول فلسفه و روش رئالیسم. بینش علامه پیرامون نظرات مادین و ماتریالیست‌ها باعث فراهم آوردن این اثر گردید. برکت این کتاب موجب هدایت بسیاری از جوانان مسلمان و نجات آنان از هلاکت کفر و الحاد شد. اثری که پاوری‌های استاد مطهری غنای بیشتری بدان پخشیده است. حاشیه الکفایه. حاشیه بر کفایةالاصول کتابی اصولی پیرامون قوانین استنباط فقهی، که به تازگی چاپ شده است. شیعه در اسلام. معرفی شیعه و بیان عقاید و فعالیت‌های آنان.

مجموعه مذاکرات با پروفیسور هانزی کرین. هانزی کرین که محقق فرانسوی است پیرامون چگونگی شیعه و راهای یافتن به اعتقادی و… مذاکراتی با علامه داشته که در این کتاب وجود دارد. خلاصه تعالیم اسلام. خلاصه آن چه هر مسلمان متعهد باید از آن آگاهی داشته و خود را بدان زینت دهد، در این اثر بیان شده است.

روابط اجتماعی در اسلام. انسان و اجتماع و رشد اجتماعی او، پایه زندگی اجتماعی، آزادی در اسلام و… مباحثی هستند که در این کتاب بدان‌ها پرداخته شده است. بررسی‌های اسلامی. مجموعه‌ای است زرین از مقالات استاد که بسان دائرةالمعارفی از معارف ناب اسلامی جمع‌آوری شده است. آموزش دین. کتابی با قلم روان و مطالبی لازم و ضروری است که برای دانش‌آموزان نوشته شده است.

رساله انسان قبل از دنیا، در دنیا و بعد از دنیا. این کتاب که اکنون با نام «انسان از آغاز تا انجام» ترجمه شده است مباحثی و مفید از عوالم سه گانه ماده، مثال و عقل مطرح کرده

نشده از پیش خود مطرح کند». هنگامی که یکی از علمای حوزه علمیه قم از تفسیر عظیم المیزان در حضور ایشان تعریف می‌کند، علامه با نیم نگاهی به او می‌فرماید: «تعریف نکن که خوشم می‌آید و ممکن است خلوص و قصد قربتسم از بین برود». و آن گاه که یکی از اساتید اندیشمند حوزه رساله امامت خود را برای نظریاتی خدمت علامه می‌دهد، ایشان پس از مطالعه می‌فرماید: «چرا دعای شخصی کردید؟ (بارالها توفیق فهم آیات الهی را به این جانب مرحمت بفرما) چرا در کنار سفره الهی دیگران را شرکت ندادی… تا آن جایی که خود را شناختم، دعای شخصی در حق خود نکردم».

تعبید و بندگی. مرحوم علامه از مرز مراعات واجبات و مستحبات پا فراتر گذارده بود و همیشه ذکر الهی بر لب داشت و هیچ گاه از توجه به پروردگار غافل نمی‌شد. «اخلاق ایشان اخلاقی قرآنی بود، گویا اخلاقش «قرآن» بود. هر آیه‌ای که خداوند در قرآن نصب العین انسان کامل می‌داند ما در حد انسانی که بتواند مبین و مفسر قرآن باشد در این مرد بزرگ می‌یافتیم. مجلس ایشان، مجلس ادب اسلامی و خلق الهی بود و ترک اولی در ایشان کمتر اتفاق می‌افتاد. نام کسی را به بدی نمی‌برد. بد کسی را نمی‌خواست و سعی می‌کرد خیر و سعادت همگان را مسئلهت کند». طهارت باطن استاد زبازند خاص و عام بود. بسیاری از شب‌ها را تا صبح به عبادت و بی‌توجهی می‌پرداخت. در ماه مبارک رمضان فاصله بین غروب آفتاب تا سحر را به تهجد ذکر مشغول بود.

اخلاق در منزل. دختر استاذ چگونگی برخورد پدر خود را با اطرافیان این گونه بیان می‌کند: «اخلاق و رفتار ایشان در منزل «محمدی» بود. هرگز عصبانی نمی‌شد و هیچ وقت صدای بلند ایشان را در حرف زدن نشنیدیم. در عین ملایمت، بسیار قاطع و استوار ماند و مقید به نماز اول وقت، بیداری شبهای ماه رمضان، قرائت قرآن با صدای بلند و منظم در کارها بودند.

دست رد به سینه کسی نمی‌زدند و این به سبب عاطفه شدید و رقت قلب بسیار ایشان بود…بسیار کم حرف بودند، پرحرفی را موجب کمی حافظه می‌دانستند. بسیار ساده صحبت می‌کردند به طوری که گاهی آدم گمان می‌کرد این یک فردی عادی و عامی ارادت به اهل‌بیت علیهم السلام.

*تفسیر المیزان دائرة المعارفی از معارف و دربردارنده بحث‌های اعتقادی، تاریخی، فلسفی، اجتماعی و… با تکیه بر قرآن کریم. اثری سترگ که استاد شهید مطهری ۶۰ سال یا ۱۰۰ سال دیگر را زمان درک عمق و ارزش این کتاب می‌داند

است… می‌گفتند شخصیت را باید خدا بدهد، با چیزهای دنیوی هرگز انسان شخصیت کسب نمی‌کنند… آرام و صبور با مسائل نوجو خضوع و خشوع واقعی نسبت به آن‌ها نداشتند ولی طوری برنامه‌ریزی می‌کردند که روزی یک ساعت بعد ازظهرها در کنار اعضای خانواده باشند. رفتارشان با مادرم بسیار احترام آمیز و دوستانه بود همیشه طوری رفتار می‌کردند که گویی مشتاق دیدار مادر هستند. ما هر گز بگو مگو و اختلافی بین آن دو ندیدیم… آن دو واقعا مانند دو دوست با هم بودند. در خانه اصلاً مایل نبودند کارهای شخصی شان را کس دیگری انجام دهد… ایشان برای بچه‌ها مخصوصاً دخترها ارزش بسیاری قائل بودند. دخترها را نعمت خدا و تحفه‌های ارزنده‌ای می‌دانستند. همیشه بچه‌ها را به راستگویی و آرامش دعوت می‌کردند. دوست داشتند آوای صوت قرآن در گوش بچه‌ها باشد. برای همین منظور قرآن را بلند می‌خواندند و به مؤذب بودن بچه اهمیت می‌دادند و رفتار پدر و مادر را به بچه‌ها مؤثر می‌دانستند. درباره مادرم می‌فرمود: این زن بود که مرا به این جا رساند. او شریک من بوده است و هر چه کتاب نوشته‌ام نصفش مال این خانم است».

وفات

سرتاجام پس از ۸۱ سال عمر بابرکت و زندگی پرتلاش، در ۱۸ محرم ۱۴۰۲ قمری (۲۴ آبان ۱۳۶۰ شمسی) روح پاک و الهی آن حکیم عارف و مفسر وارسته به دیار قبلی و ملکوت رهسپار گردید و پیکر مطهرش در حرم حضرت معصومه علیها‌السلام به خاک سپرده شد. امام خمینی قدس سره و سایر علما و مراجع تقلید، ضمن اظهار همدردی، با برپایی مجلس ختم برای مرحوم علامه این ضایعه اسفناک را تسلیت گفتند.

جمهوری اسلامی

لزوم مراقبت اخلاقی در زندگی طلبگی

حضرت آیت‌الله حسین مظاهری

قانون مراقبه برای پیشسرفت اخلاقی، قانون خوبی است؛ برای این‌که حالت توجه به این‌که خودمان در محضر خدا هستیم، به ما روی می‌دهد. اگر شخصی بتواند این توجه را دائمی کند، به رتبه بسیار بالایی از معنویت می‌رسد. بزرگان ما مثل شیخ انصاری و حضرت امام خمینی عصمت را مرتبه آخر توجه، معنا کردند. اگر هدف از خلقت را دوام توجه بدانیم و این دوام توجه برای کسی اگر دائمی شود دیگر فرد گناه نمی‌کند و به‌طور ناخودآگاه همه صفات ردیله ریشه‌کن می‌شود. برای یک طلبه باید این معرفت حاصل شود که ما در محضر خدا و وجود مقدس حضرت ولی‌عصر(عج) هستیم و قیام و قوام وجودی ما به‌واسطه ایشان است و این توجه‌ها خیلی کار می‌رسد. نفسی که طبق روایات دشمن‌ترین دشمن‌ها بر خود انسان است، به این زودی و راحتی رام عقل نمی‌شود، لذا علمای علم اخلاق می‌گویند قبل از مراقبه باید مشارطه کنید؛ یعنی با نفس حرف بزنید و بگویند که ای نفس اماره بیا با هم بهشتی شویم، بیا با هم سعادتمند شویم که این می‌شود مشارطه. آن وقت علمای اخلاق می‌گویند: این نفس کسی نیست که به شرطش عمل کند، این عهدشکن است و آیه می‌فرماید: **«إِنَّ النَّفْسَ لَآمَارَةٌ بَاسَاءٌ»** (یوسف/۵۳). لذا انسان باید مراقب این دشمن باشد. علما مثال می‌زنند به دو شریک که یکی از آن‌ها آدم خوبی است، اما دیگری دزد است. این شریک، چطور مراقب آن دزد است، انسان هم باید این‌طور مراقب نفس باشد. نفس طوری است که یک‌دفعه از دست انسان در می‌رود و کار خودش را انجام می‌دهد؛ یعنی گناه می‌کند و راستی هم این‌طوری است.

انسان سالک باید استقامت کند و پس از انحراف نفس، فوراً توبه کند، نماز توبه داریم، دو رکعت نماز توبه بخواند و سپس با خداوند تصرع و زاری داشته باشد که خدایا! من نمره کم آوردم، توفیق بده تا ان‌شاءالله فردا بهتر از امروز باشم و این حرف‌ها باید با دل باشد نه زبان. حضرت امیر(علیه‌السلام) در نهج‌البلاغه می‌فرماید: «اگر کسی دو روزش مثل هم باشد، مغیوب است و اگر روز هفتش بهتر از روز بعدش باشد، ملعون است». پس مؤمن کسی هست که رو به کام باشد.

علامه طباطبائی به معنای «لا اله الا الله» در عمق جانشان رسوخ کرده بود، شخصی در لحظات آخر حیات مبارکشان، از ایشان توصیه‌ای اخلاقی درخواست نمود که ایشان فرمود: توجه، توجه، توجه. به هر حال در درون ما یک جنگی هست، جنگ بین نفس اماره و وجدان اخلاقی، بین نفس اماره و آن فطرت الهی. بعضی اوقات دشمن زمین‌گیر می‌شود؛ چنان‌چه پیغمبر اکرم صلی‌الله علیه وآله وسلم می‌فرمایند: «من هم شیطان دارم الا این‌که من زنجیرش کردم»، ولی بعضی اوقات متأسفانه به عکس می‌شود و نفس اماره غلبه پیدا می‌کند، اگر دشمن درون، ما را زمین‌گیر بکند، بدبخت می‌شویم.

ما در هر شرایط باید خودمان را بسازیم و نمی‌توانیم بگوئیم که در جامعه امروز خودسازی نمی‌شود!! این حرف شیطان است. جامعه هر چند آلوده باشد، انسان اختیار زبان و چشم و دل خودش را که دارد، بله اگر جامعه فاسد باشد، کار مشکل‌تر است؛ ولی شدنی است. در این مواقع اول همت می‌خواهد. دوم این‌که بدانیم بدون دعا، بدون توسل و توفیق نمی‌شود. جلب توفیق خدا به‌واسطه توسل‌ها، به‌واسطه اجتناب از گناه و اهمیت و واجبات حاصل می‌شود.

لزوم عبادت شبانه

ما طلبه‌ها حتماً باید این شب بیداری را داشته باشیم و اگر نباشد، خیلی ضرر کردیم. ما طلبه‌ها اگر قدر و منزلتمان را بدانیم دیگر خواه ناخواه نماز شب‌خوان می‌شویم و لازمه خواندن نماز شب، اهمیت دادن به نماز اول وقت است. یکی از علمای بزرگ به من می‌گفتند که به آیت‌الله بهجت گفتم آقا یک نصیحتی به من بکنید، فرمودند: اگر هر سعادت می‌خواهی و به هر کجا می‌خواهی برسی، نماز را اول وقت بخوان.

علی‌کل حال مرد آن است که روز به کتاب و کسب و کارش مشغول باشد، ولی در شب به آیه «قم اللیل»؛ توجه داشته باشد. شب باید برای خدا باشد؛ چنان‌چه درباره امیرالمؤمنین علیهم السلام وارد شده که شب که می‌شد «یتملل تملل السلیم…اه من قلة الزاد و بعد السفر»؛ دیگر حضرت کاری به این عالم کثرت نداشت. در شب منقمر در عالم وحدت می‌شد.

علامه طباطبائی می‌فرمودند که جایی در نجف ایستاده بودم که آقای قاضی آمدند و دست مبارکشان را روی شانه‌ام گذاشتند و فرمودند: فرزندم! اگر دنیا می‌خواهی نماز شب بخوان و اگر آخرت می‌خواهی نماز شب بخوان. معنا ندارد که یک طلبه نماز شب نخواند و سحرها بیدار نشود. نگویید که نمی‌شود و نمی‌توانیم از خواب بیدار شویم که این عذرها قبول نیست. اگر شخصی بلیط هواپیمایش ساعت ۳ نیمه شب باشد، خواب می‌ماند و اصلاً خوابت می‌برد؟! در روز قیامت همین‌ها را می‌گویند و بهانه و عذر را از انسان می‌گیرند.

آیه شریفه می‌فرماید: **«و من اللیل فتهجد به نافلة لک عسی أن یبعثک ربک مقاما محمودا»**؛ (اسراء/۷۹) نماز شب مقام محمود می‌آورد و مقام محمود منحصر در آخرت نیست، بلکه انسان نماز شب‌خوان، در همین دنیا صاحب مقام محمود می‌شود. مقام محمود، یعنی این‌که انسان دل پاک پیدا می‌کند، علمش برای دیگران نافع می‌شود. برای اسلام می‌تواند کاری بکند. مقام محمود یعنی شخص در دنیا غم و غصه و اضطراب ندارد. بنابراین تقاضا دارم که به نماز شب اهمیت بدهید. هر طوری که می‌شود یک ساعت قبل از اذان صبح نماز شب را بخوانید ولو قضایش را بخوانید که برای خودسازی خوب است، برای این‌که عمرتان پربرکت بشود، خوب است و بالاخره برای این‌که حضرت ولی‌عصر(عج) به شما توجه داشته باشد، خوب است.